



اگر می‌خواهی به مقام محمود مبعوث شوی شب را رها نکن

خداوند به رسول خود فرمود: سحرخیز باش و شب را از دست مده؛ زیرا که نافله شب، خضوع و حضور شب، بعثت تازه ای است برای تو و اگر می‌خواهی که به مقامی والا و محمود مبعوث شوی، شب را رها نکن.

خداوند به رسول خود فرمود: سحرخیز باش و شب را از دست مده؛ زیرا که نافله شب، خضوع و حضور شب، بعثت تازه ای است. اما، اگر می‌خواهی، که به مقام، هاله محمود مبعوث شوی، شب را رها نکن. پیرامون شب قدر و سیر تبرّع و برجستگی آن و راز تعدد و کثرت، و رمز تنوع و تحول آن و نکته خفا و ابهام، و معنای قدر و ارزش آن و تأثیر ادراک شب قدر و نیز برخی دیگر از شئون آن به طور اجمال نکاتی از بیان و بنان آیت الله العظمی جوادى آملی بازگو می‌شود.

یکم: گرچه هر موجود طبیعی در مخزن غیب الهی دارای وجود عقلی است که از آن نشئه تجرد معقول به مرحله تجسم محسوس تنزل می‌یابد: «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» [1] و شب قدر نیز از این اصل کلی مستثنی نیست، لذا می‌تواند دارای ارزش نقسی باشد، لیکن اُرْج ظاهری آن به حُرْمَتِ مُتَزَمِّنِ آن است که در این زمان خاص نزول یافت و آن قرآن کریم است، همان طور که ارزش مکان به متمکن آن است؛ لذا خداوند سرّ سوگند به بَلَدِ مکه را، تمکن و استقرار رسول اکرم(ص) که در آن متمکن بود اعلام داشته و چنین فرموده است: «لَا قَسَمَ بِهَذَا الْبَلَدِ* وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» [2] بنابراین، یکی از اسرار براعت و برجستگی لیلہ قدر نزول قرآن ذوالقدر در آن خواهد بود.

دوم: چون راز براعت زمان همانا حُرْمَتِ مُتَزَمِّنِ است و تقدیر بر امور از طرف خداوند سبحان دارای حرمت ویژه است و تقدیر امور نیز دارای مراتب گوناگون است و هر مرحله ای از آن در زمان خاص ظهور می‌کند لذا تمام آن زمانهای مخصوص از برجستگی والا برخوردار می‌شوند و به عنوان نمونه می‌توان، نیمه ماه شعبان و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان و نیز برخی دیگر از شبهای وثر آن را یاد نمود که امور گیتی در این مراحل، جریان تشییق خود را باز می‌یابند، البته آن حرمت خاصی که برای شب قدر به پاس نزول قرآن است فقط در شبهای ماه مبارک رمضان خواهد بود.

سوم: برای اینکه تمام روزها و شبهای سال، فیض ظرفیت چنین رخداد مبارک را ادراک کنند لذا تقدیر امور و نیز تنزل معانی قرآن و مفاهیم عالی آن برابر ماه های قمری توزیع شده است تا با تنوع و تحوّل همراه باشد و تمام شبهای سال از جهت گردش جام تقدیر و کأس تنزیل و مئاوَله آن بهره مند گردند و فیض سیال الهی را کد نگردد، و اگر برابر سال شمسی تنظیم می‌شد، چنین اداره کأسی و چنان مئاوَله‌ای در کار نبود.

چهارم: به منظور فحص بالغ و مراقبت مستمرّ و اجتهاد مداوم در سنگر جهاد اکبر، لیلہ قدر مختلفی و روز قدر مخفی شد؛ زیرا ماء‌الحیة در هر کوی و برزنی ارزان عرضه نمی‌شود و تاریکی ظلمات از یک سو و جستجوی هم رهی همراهی چون خضر (علیه‌السلام) از سوی دیگر و تحمل خطرهای گوناگون از سوی سوم مقداری از بهای چنین کالای سترگ است که تا تأدیه نشود دامن آن به کف نمی‌آید.

پنجم: معنای قدر و منزلت شب قدر که بیش از ارج هزار ماه است هرگز به معنای ارزش اعتباری در برخی از دانشهای باید و نباید اعتباری، نخواهد بود، بلکه به معنای ارج وجودی و شدّت درجه هستی است که ارزش دانشهای بود و نبود است نه باید و نباید البته چنان ارج وجودی که در حکمت نظری مطرح است پشتوانه تدوین قوانین ارزشی باید و نباید فقهی خواهد بود لذا امتثال دستورهای دینی وسیله مناسبی برای تکامل وجودی روح است.

ششم: چون ارزش زمان به مُتَزَمِّنِ است هر اندازه سالک واصل، شاهد معنای تقدیر الهی از یک سو و شاهد معارف قرآن کریم از سوی دیگر باشد به همان اندازه شرافت وجودی لیلہ قدر را تحصیل می‌کند، یعنی همان طور که درجات بهشتِ جاودان به عدد آیات قرآن کریم است، مراحل لیلہ قدر و درجات وجودی آن نیز در گرو ادراک صحیح حقیقت تقدیر امور الهی از یک سو و معرفت درست معالی و معانی قرآن کریم از سوی دیگر خواهد بود؛ حتی اگر شب قدر مصون از تعدّد عَرَضی و کثرت همتایی باشد؛ زیرا تعدّد مراتب طولی آن محفوظ است.

هفتم: محصول معرفت صحیح مُتَزَمِّنِ و حاصل ادراک درست زمان سبب شدّت وجودی سالک عارف می‌گردد که با آن، طی زمان و زمین میسورش خواهد شد، نمونه‌های فراوانی در قرآن و سنت معصومین (علیهم السلام) و در تاریخ پیروان راستین قرآن و عترت مشهود است که جریان صحابی حضرت سلیمان در آوردن تخت ملکه سبأ از فاصله دور در کمتر از چشم گرداندن «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» [3] از این قبیل است. جناب شعرانی (رضوان الله تعالی

علیه) در پایان کتاب «البواقیت والجواهر فی بیان عقائد الأكابر» که تلخیص «فتوحات مکیه» ابن عربی است می گوید: این کتاب را با سپاس الهی در کمتر از یک ماه تألیف کردم و برای همه مباحث آن فتوحات را مطالعه می کردم... و هر روز بیش از دو بار همه مجلدات آن را از نظر می گذراندم. [4]

آشنایان به گستردگی آن کتاب عظیم فخیم می دانند که مطالعه آن بدون طی زمان، عادتاً میسر نیست. لازم است توجه شود آنچه به عنوان نمونه یاد شد راجع به شدت درجه وجودی شاگردان انبیا و امامان معصوم(ع) بوده وگرنه مقام وجودی آن ذوات نوری به مراتب بیش از اینهاست.

شیخ اشراق و «اجمال در عین کشف تفصیلی»

شیخ اشراق (قدس سرّه) در پایان کتاب «حکمة الاشراق» می گوید: خلاصه آنچه که من در این کتاب نوشته ام، شبی از سوی خدای سبحان به من افاضه شد و من آن را آموختم و سپس در طی مدتی مدید، در این کتاب مبسوط نگاشتم. [5] کتاب حکمت الاشراق سهروردی به تعبیر خودش و نیز به تعبیر مرحوم صدرالمتألهین، قرّة العیون اصحاب معارف در مبدأ و معاد است. او می گوید خلاصه این مطالب را خدای متعالی، یک شبه به من آموخت. پس می شود که یک شبه ره چندین ساله را پیمود و البته هیچ کس مانند رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) ره شش هزار و اندی آیه را یک شبه طی نکرد.

آیات قرآن کریم، خلاصه جهان تکوین است و هیچ حقیقتی در عالم نیست که قرآن، حاوی آن نباشد و به آن نظر نداشته باشد، خواه بر اساس دلالت ظاهر و خواه بر مبنای دلالت باطن. نه تنها شیخ اشراق، بلکه عده دیگری از عرفا و حکمای الهی و اسلامی نیز به این فیض رسیده اند. آنها که شاگردان ویژه انبیا و اولیایند، گاهی نسیم نفحات الهی به مشام جانشان می رسد، لیکن گرچه خوش می درخشند، ولی دولت مستعجل است و دوامی ندارد.

اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یک شبه راه قرآن را پیمود و خزینه الهی را بازدید کرد، شاگردان آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز با پیمودن راه آن انسان کامل و بزرگ می توانند بسیاری از معارف قرآنی و جهان بینی را یک شبه بفهمند و بیابند. این راه به روی انسانهای سالک بسته نیست، لیکن شرطش آن است که: «بدادم عقل را ره توشه از می/ به شهر هستی اش کردم روانه» اگر این خود ظاهری به میخانه رفت و لعل ناب بجوش آمد و انسان، از راه دل سفر کرد و در معرفت نفس کوشید، می تواند شب قدری داشته باشد و بخشی از انوار الهیه را اجمالاً بیابد که تفصیلش کتابی باشد.

همان طور که اصل حقیقت قرآن بدون حجاب، مشهود پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) و نیز کسی که به منزله جان پاک آن حضرت است می باشد و برای انسان های عادی در حجاب های لفظ و مفهوم ذهنی و وجود مثالی یا برتر از آن ظهور می کند، روزی نیز که تأویل قرآن محقق می گردد و بهشت که درجات آن به عدد آیات قرآن است، به چهره اولیای الهی گشوده می شود، حقیقت اهل بیت (علیهم السلام) که همان حقیقت قرآن است و هرگز از یکدیگر جدا نمی گردند، بدون حجاب، برای خودشان روشن است و در پرده حجابهای گوناگون، برای سایر اهل بهشت که در معنا اهل قرآن بوده اند ظهور می کند.

شاید از همین جهت است که شعرانی در «یواقیت» از محی الدین و شیخ ابن ابی منصور نقل می کند که اصل شجره طوبی در منزل امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) است چون درخت طوبی حجاب مظهر نور فاطمه زهرا (علیها السلام) است و هیچ خانه و مکان و درجه ای از درجات بهشتهای هشت گانه نیست مگر آنکه در آنجا، فرعی از شجره طوبی است.

شب، بُراق عروج سالکان

بخش مهمی از فیوضات معنوی و الهی، طبق بیان قرآن کریم، در شب افاضه شده است. تنزل قرآن در شب پربرکت و مبارک قدر است «إنا أنزلناه فی لیلة القدر» [6]، إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة، [7] إسرائ و معراج انسان کامل نیز در شب است: «سبحان الذی أَسْرَى بَعْدَهُ لَیلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الذی بَارَكْنَا حَوْلَهُ» [8].

موسای کلیم(علیه السلام) نیز شبانه در محضر خداوند به ضیافت و مهمانی می رود. وواعدنا موسی ثلاثین لیلة وأتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمَ مِیقَاتٍ ربه أربعین لیلة [9] چهل شب، مهمان خداوند بود و از فیوضات الهی بهره مند گردید، که تورات نیز از آن جمله است. گرچه انسان در روز، هم در محضر خداست ولی فیض شب، بهره خاصی است که نصیب انسان می شود. حضور و توجه و تمرکز انسان در شب زیاد است و همین سبب قوت و ازدیاد فیض می شود.

نشئه زنده داری شب و مناجات و دعا و خضوع شب، نشئه خاصی است که با خضوع و مناجات و ذکر روز فرق دارد «إِنْ نَاشَأَهُ اللَّیْلُ هِیَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِیلاً» [10] و به همین جهت است که خداوند به رسول خود فرمود: وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهَا فَالْفَلَکَ عَسَى أَنْ یَبْعَثَکَ رَبِّکَ مَقَاماً مَحْمُوداً [11] سحرخیز باش و شب را از دست مده؛ زیرا که نافله شب، خضوع و حضور شب، بعثت تازه ای است برای تو و اگر می خواهی که به مقامی والا و محمود مبعوث شوی، شب را رها نکن.

روایتی پرفروغ از امام حسن عسکری (علیه السلام)

یکی از بیانات امام یازدهم، حسن بن علی (علیهما السلام) که استاد علامه طباطبائی(رضوان الله تعالی علیه) آن را بسیار پرفروغ و روشن و از غرر احادیث می دانستند این است که فرمودند: «إِنَّ الْوَصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا یَدْرُکُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّیْلِ» [12] اگرچه همه روایات اهل بیت(علیهم السلام) نور است، ولی در بین سخنان آن بزرگان، بعضی نورانی ترند و از غرر روایات شمرده می شوند و این روایت شریفه نیز از همان سنخ است.

آن حضرت (علیه السلام) می فرماید که سیر به سوی الله و حرکت به سمت خدا، سفری است که جز با زنده داشتن شب میسر نیست. با مرکب روز که سیح طویل دارد: *إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا* [13] نمی شود این سفر سنگین را طی نمود. باید شب را مرکب پرتوان خود در این سفر الهی قرار داد.

تلاوت قرآن و خضوع در حضور خداوند، و محاسبه اعمال گذشته و تصمیم قطعی برای آینده، در دل شب تار میسرتر است و لذا مردان الهی حداکثر بهره را از شب می برند، «عُمَارُ اللَّيْلِ وَمَتَارُ النَّهَارِ» [14] ، «أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ، تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ» [15] ، «طَوْبَى لِنَفْسٍ... وَهَجَرَتْ فِي اللَّيْلِ عُمْضَهَا» [16] «إِنَّ دَاوُدَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَامَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ مِنَ اللَّيْلِ...» [17].

استاد حکیم، الهی قمشه ای (رضوان الله علیه) که اهل معنا و تهجد و عرفان بود، چنین سروده است:

چه خوش است یک شب بکشی هوی را **** به خلوص خواهی ز خدا خدا را
به حضور خوانی ورقی ز قرآن **** فکنی در آتش کتب ربا را
شود آنکه گاهی بدهند راهی **** به حضور شاهی چو من گدا را (قرآن در قرآن ، ص 77)

پی نوشتها:

- [1] - سوره حجر، آیه 21.
- [2] - سوره بلد، آیات 1 و 2.
- [3] - سوره نمل، آیه 40.
- [4] - ص 201.
- [5] - حکمة الاشراق، ص 403، نقل به مضمون.
- [6] - سوره قدر، آیه 1.
- [7] - سوره درخان، آیه 3.
- [8] - سوره اسراء، آیه 1.
- [9] - سوره اعراف، آیه 142.
- [10] - سوره مزمل، آیه 6.
- [11] - سوره اسراء، آیه 79.
- [12] - بحار، ج 78، ص 379، ح 4.
- [13] - سوره مزمل، آیه 7.
- [14] - نهج البلاغه: خطبه 192، بند 136.
- [15] - نهج البلاغه، خطبه 193.
- [16] - همان، نامه 45، بند 30.
- [17] - همان، حکمت 104. (مهر)